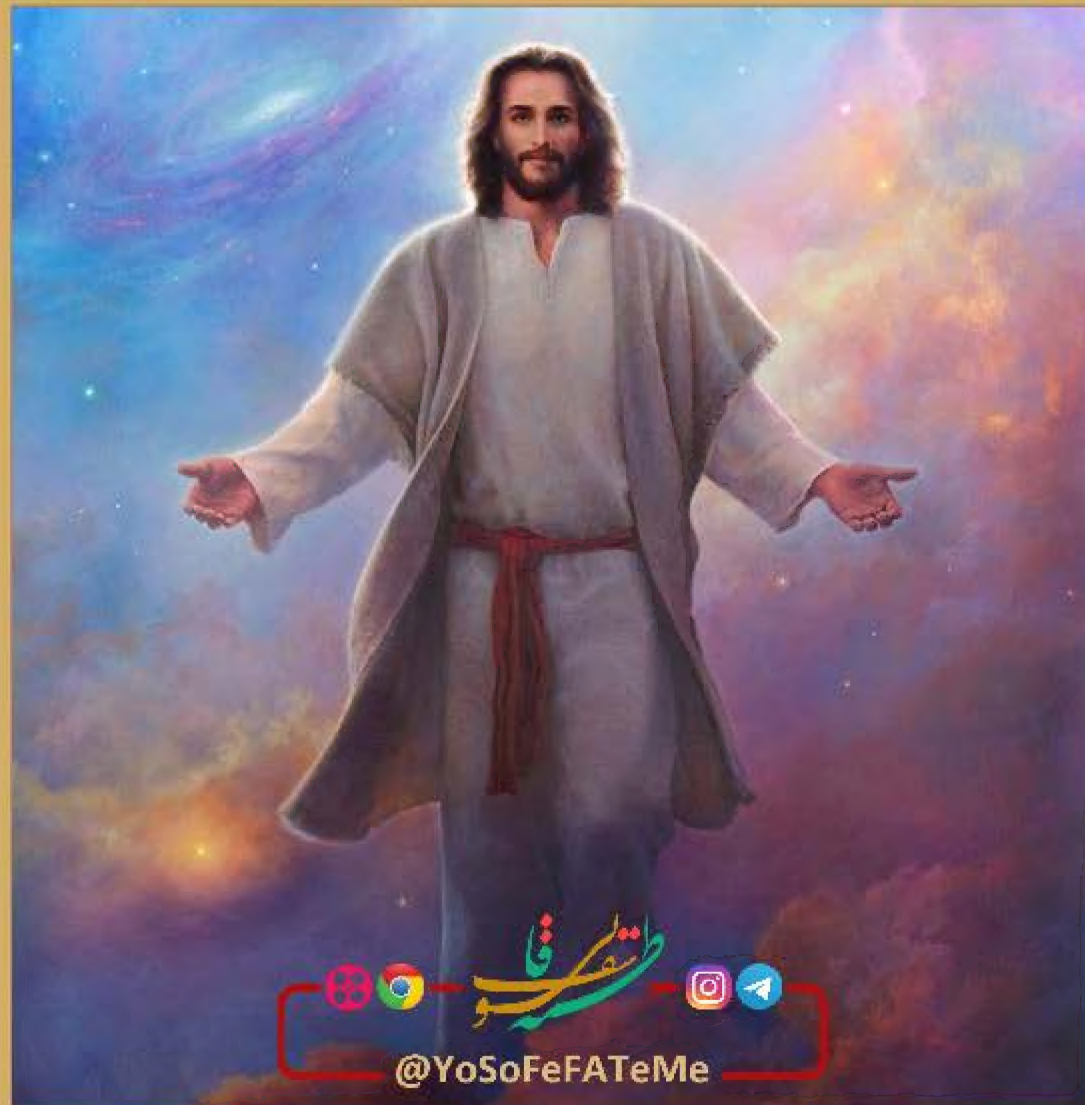




دریائے تسخیر شیطان



غور الامور ترمذی گفت این سخن نزدیک است به آنچه گذشت تا  
آنجا که می‌گوید یحیی علیه السلام فرمود: ای ابا مرّه، حال آنکه  
نامش حارث است و کنیه‌اش ابا مره و خدایش ابلیس نامید چون در  
روز سجده بر آدم علیه السلام از هر نیکی خالی شد



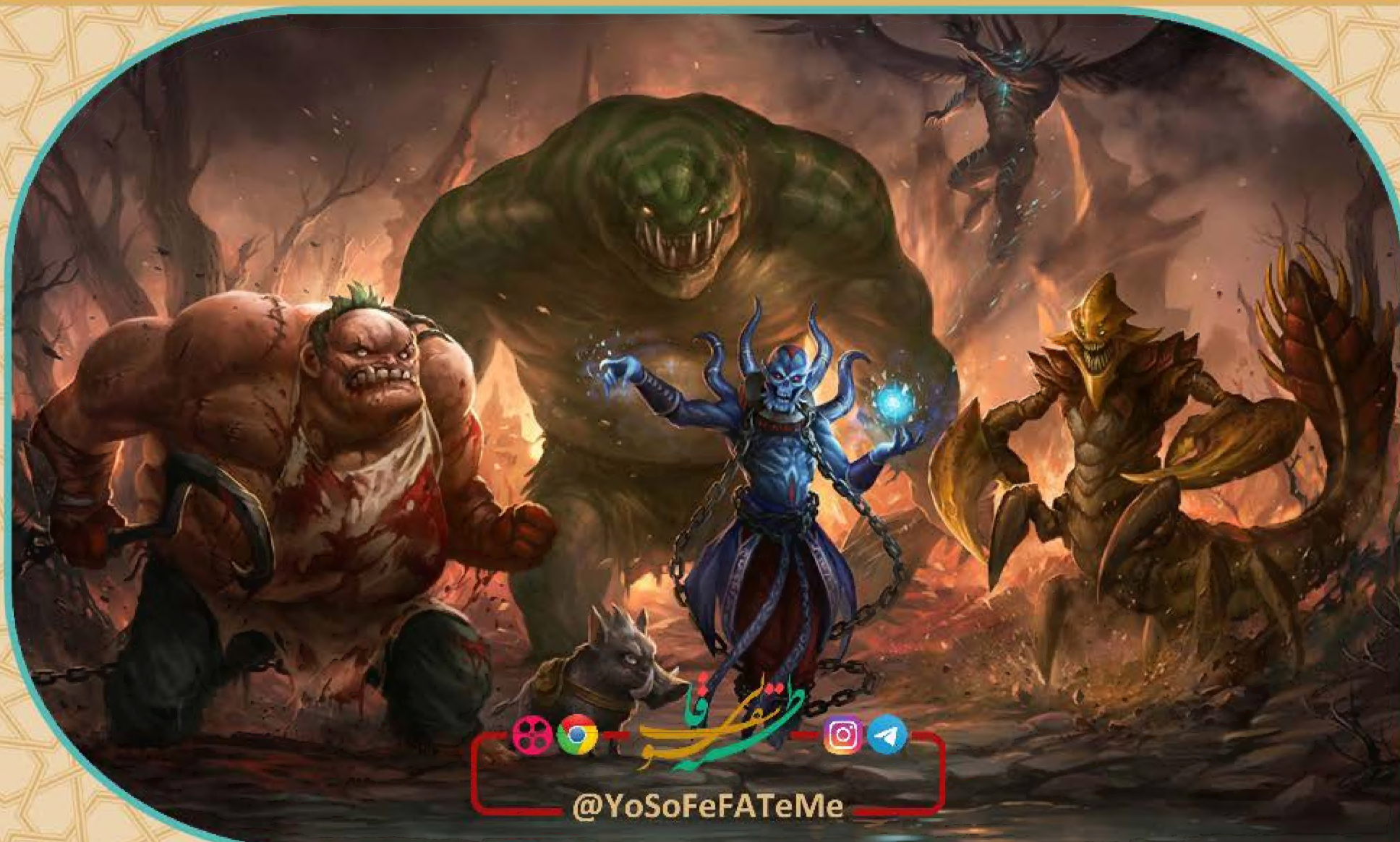
### گفتگو حضرت یحیی با رور شیاطین جن

یحیی علیه السلام گفت: من دوست دارم تو را در صورت و آفرینشت  
بینم و دام‌هایی که به آن‌ها مردم را هلاک کنی بمن بنمائی. ابلیس  
گفت: کار بزرگی از من خواستی که مرا در تنگنا گذاشتی و کارم را  
مشکل کردی ولی تو نزد من عزیزتری از این که تو را رد کنم و نیازت را  
برنیاورم. ولی می‌خواهم که تنها مرا بینی و کسی جز خودت نباشد،  
سپس برای فردای آن روز با هم وعده گذاشتند، و با این وعده از نزد  
آن حضرت رفت، و فردا همان ساعت برابریش ایستاده بود



چهره‌ای مسخ شده وارونه و زشت هراسناک و بد، تنی چون تن خوکان، و چهره‌ای چون چهره میمون، چشمش به درازا شکافته، دهانش به درازا شکاف برداشته، و برابر سر و دندان‌هایش همه یک استخوان وجود داشت، بی‌چانه و بی‌ریش، موی سرش اندک روئیده بسوی بالا و وارونه، با چهار دست، دو تا در شانه و دو در پهلوها، انگشتان پاهایش به دنبال و پاشنه‌هایش به جلو و دستش دارای شش انگشت، گونه‌اش سفت و صاف، دو سوراخ بینی او به سوی آسمان و نوکی داشت چون نوک پرنده، چهره‌اش به سوی پشت، دو چشمانش کور و لنگ و چوله، دارای دو بال و پیراهنی داشت بالا زده که رویش زناری بسته بود. و چند کوزه خرد به کمربندش آویخته بود و کنار پیراهنش رشته‌هایی آویزان بودند در هر رنگ از سفید و سیاه و سرخ و زرد و سبز. و زنگ بزرگی در دست داشت و خودی بر سر که بر قله‌اش آهن درازی کمان‌دار آویزان بود

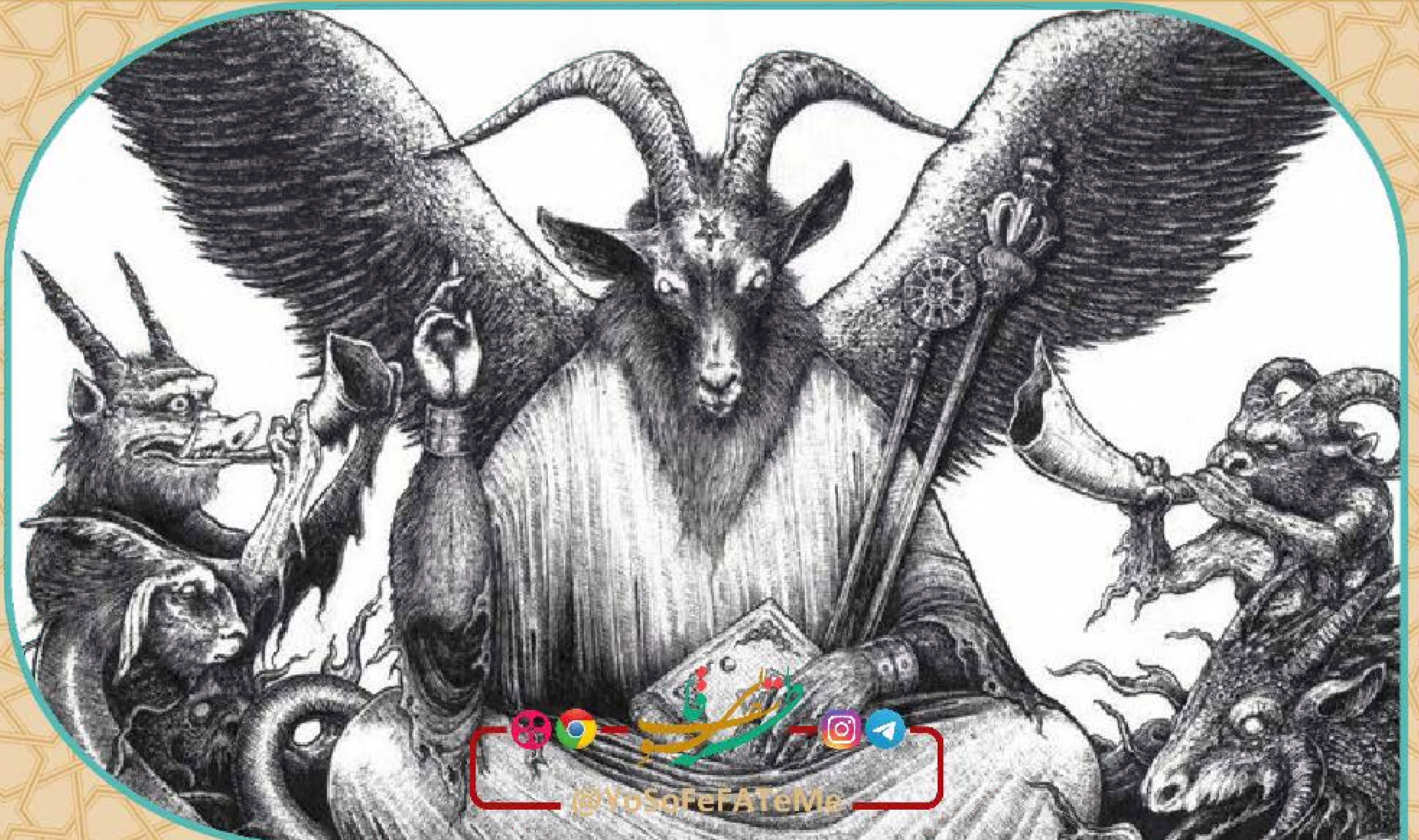
یوسف فاطمه





یحیی علیه السلام فرمود: ای ابا مره به من از آنچه بینم و بپرسم گزارش بده، گفت: ای پیغمبر خدا من بدین وضع نزد تو نیامدم مگر این که می‌خواهم از هر چه بپرسی پاسخ درست دهم و چیزی را از تو پنهان نکنم. فرمود: ای ابا مره به من بگو این کمر بند بالای پیراهنت چیست؟ گفت ای پیغمبر خدا این مجوس گری و گبر مآبی است. من گبری را ساختم و خود بدان کیشتم. فرمود: بگو بدانم این کوزه‌های خرد که از کمر بندت آویزانند، چیستند؟ گفت: ای پیغمبر خدا، اینها شهوت‌ها و نمایشات دام‌های من‌اند، نخست چیزی که مؤمن را با آن شکار کنم زن است و اگر او به فرمان خدا در این باره بچسبد از راه جمع مال حرام به او رو کنم و او را با حرص و طمع در آن اندازم و اگر به فرمان خدا پناه برد و به زهد و ترک مال از من کناره کند از راه میخواری و مستی به او رو کنم تا همه این خواهش‌ها را در او مکرر سازم و به ناچار اگر پارساترین مردم باشد به یکی از آنها گرفتار شود

یوسف فاطمه







## نقشه هلاکت ابلیس

فرمود: این نمونه‌های هوس انگیز که به کنار پیراهنت هستند چیستند؟ گفت: ای پیغمبر خدا این‌ها رنگ‌های زنانه و زیور آن‌هایند و هر زنی پیوسته جامه خود را به یکی از این رنگ‌ها درآورد تا آن را بپسندد و مردان را به زیورش عاشق خود سازد. فرمود: این زنگ که در دست داری چیست. گفت: ای پیغمبر خدا این معدن خوشی و شادی و مجمع آوازهای ابزارآلات موسیقی است از تار و طنبور و نی و طبل و دایره و نوحه‌گری و سرود. همانا آن گروه در انجمنی برای بدکاری گرد آیند و برخی از آن‌چه گفتم در اختیار دارند ولی آن‌ها را کامیاب و شاد نسازد، و چون ببینم خوب سرحال نیستند این زنگ را بنوازم و با آواز ابزارآلات آن‌ها در آمیزد و لذت و شادی آن‌ها را بیفزاید، برخی چون آن را شنوند، با انگشتان خود بشکن زنند، برخی سر و گردن بجنبانند و برخی با دو دست کف زنند و پیوسته این شیوه را ادامه دهند تا بر آن‌ها سوار شوم و آن‌ها را هلاک سازم





فرمود: این کلاه خود که بر سر داری چیست؟ گفت: ای پیغمبر خدا از من بپرهیز و از دام‌هایم که پیغمبران و نیکان و عابدان و پارسایان برایت بیان کردند، چنان‌چه من سر خود را با این کلاه خود از نکبت نگهدارم، فرمود: نکبت کدام است؟ گفت: لعنت، فرمود: این آهن دراز که در قله آنست چیست؟ گفت: ای پیغمبر خدا، این قلابی است که با آن دل نیکان را به سوی خود کشم. فرمود: این چه آفرینش و صورت زشت و وارونه و منکری است که تو داری؟ گفت: ای پیغمبر خدا این به خاطر پدر تو آدم است، من از فرشته‌های ارجمند بودم ۴۰۰ هزار سال سر از سجده بر نداشتم، و در یک سجده برای پدرت آدم پروردگارم را نافرمانی کردم، و خدا بر من خشم گرفت. و مرا لعن کرد و از پیکره فرشته‌ها به پیکره دیوان درآدم، در میان فرشته‌ها زیباتر از من نبود و من مسخ و وارونه و زشت و برگشته و هراسناک و بد منظره شدم چنان‌چه بینی





فرمود: به من بگو چه چیزی تو را امیدوارتر کند و پشتیبان‌تر  
و دل‌داری بخش‌تر از اندوه تو است، و کدامین چیز تو را  
خوشحال‌تر و جایگاهت را قوام بخش‌تر و دلت را شادتر  
می‌سازد؟ گفت: ای پیغمبر خدا من می‌ترسم آن را به کسی  
بگوئی و از تو یاد گیرند و خود را از آن نگاه‌دارند و نیرنگ من  
تباه شود. فرمود: خدا در کتابش کار تو و نیرنگت را فرو آورده  
و برای پیغمبران و دوستانش بیان کرده و از آن‌چه باید،  
اجتناب خواهند کرد، و اما گمراهان را تو به آن‌ها سزاوارتری که  
مانند گوی در دست تواند و تو آن‌ها را به بازی می‌گیری. از  
این رو نزد اولیای خداوند گفتار تو از گفتار خدا اثربخش‌تر و  
عزیزتر نیست





## زنان فتنه‌اے نابودگراڑوے لو یفربرائے بشر

گفت: ای پیغمبر خدا به راستی که زنان مهم‌ترین چیزی آیند که مرا بسیار امیدوار، پشتم را محکم و چشمم به آن‌ها روشن می‌گیرد همانا که آن‌ها بند و دام‌های من و تیر بی‌خطای من‌اند، پدرم قربان‌شان اگر اینان نبودند نمی‌توانستم کمترین آدمی را گمراه کنم، به وسیله آن‌ها است که به مقاصد خود برسم و به واسطه آن‌ها مردم را به هلاکت رسانم. چون متوجه عابدان و علماء شوم بر من چیره شوند، و هر چه سپاه بر آن‌ها گسیل دارم بگیرزند و پس از شکست و گریز به یاد زنان آیم و خوش‌دل شوم و خشمم آرام شود و خاطرم آسوده گردد، و عقده دلم گشوده شود و اندوهم تسلی یابد و چشمم روشن گردد و پشتم محکم شود. و اگر زن‌ها از نژاد آدم نبودند من بر آن‌ها سجده می‌کردم، چون آن‌ها خانم‌های من‌اند و جاشان بر دوش و گردن من است و بر من است آنچه خواهند، هیچ زنی از من طلب نیازی نکند جز این‌که برای انجامش با سر شتابم، زیرا آن‌ها امید و پشت و عصمت و مورد پسند و اعتماد و فریادرس من‌اند





## زیرپایہ ہاے اصلے گمراہے مردم

فرمود: سود و شادی تو در گمراہ کردن آدمی چیست؟ و برای چه بدان تسلی یابی؟ گفت: خدا شادی‌ها، غم‌ها، حلال و حرام را آفریده، و در روز آدم مرا میان آن‌ها مخیر کرد و من شهوت‌ها، حرام، دشنام و منکرات را برگزیدم، و آن‌ها شیفتگی و دل‌خواہ من شدند و آدم را ہم مخیر کردند و او اندوہ و عبادت و حلال را برگزید، و آن‌ها خواستہ و آرزوی او شدند. بنابراین آنست خواستہ و آرمان او، و اینست ہوس و خواست و دل‌خواہ من، آن است دلخواہ و دارائی و کالای او این است خواستہ و دارائی و کالا و اندوختہ من، و خواستہ ہر کس همانند خود اوست چون علاقہ و شہوت بدان دارد، علاقہ و شہوت مرد زندگی او است و چون زندگی را از کسی بگیرند نابود گردد، چہ بسیار آفریدہ خدا کہ خواستہ و دل‌بندش را گرفتند و مرد و نابود شد. این‌کہ من برگزیدہام دل‌خواہ و ہوس و زندگی من شدہ و اگر از من گرفتہ شود نابود شوم و ہرگاہ بدان دست یابم شاد و سر زندہ شوم، و چون دیدم دلخواہ و ہوس و زندگیم نزد دیگری است کہ آن را از من گرفتہ تا توانم بکوشم کہ آن را بہ دست آورم تا بدان نیرو بر آدمی گیرم کسی کہ زندگی من یعنی شہوت و ہوس مرا گرفتہ است و در چنتہ خود نہادہ و آمادہ شدہ تا با من کارزار کند و بجنگد



آیا من چاره‌ای جز نبرد دارم تا حق به حق دار برسد و ستمکار  
 مقهور گردد، اینست حال من و کار من و مایه شادی من چون بر او  
 چیره شوم. به او فرمود: مگر آدم چه ستمی به تو کرده که می‌گوئی  
 باید بر ستمکار غالب شد. گفت: به من ستم کرده که هوی و هوس  
 مرا گرفته و در چنته خود نهاده است. چگونه من در جنگ با او و  
 در حلال او طمع نکنم حال آن‌که او در حرام و خواسته من طمع  
 کرده است. به او فرمود: آیا این عاقلانه است که می‌گوئی من  
 می‌خواهم هوس خود را از او پس گیرم، و شاد شوی اگر آن را بکار  
 گیرد و اندوه خوری اگر هوس را در زندگی خود بکار نبرند؟ گفت:  
 چون هوس‌راند من اندوه ندارم بلکه شاد می‌شوم زیرا او خواسته مرا  
 که شادی است برایم برآورده کرده است. اما اندوه خورم که آن را به  
 کار نگیرد، من دنبال خواسته‌ام نیستم که از من گرفته زیرا دلم  
 آسوده است که برنگردد، زیرا بر آن سرشته شده ولی می‌خواهم آن  
 را بکار بندد، و چون آن را بکار بندد آرزو و گزیده و زندگی‌م را به  
 من داده که جان من است. و چون آرمان مرا به کار گیرد مرا زنده و  
 شاد کرده و آن را در جهت خود بکار بسته است و اگر آن را بکار  
 نگیرد و در چنته او بماند، چون زندانی باشد و چون در درون او  
 زندانی و در بند است و آن جان من است مانند اینست که من در  
 زندان و در بندم، لذا به جنگ با او برخیزم





زیرا او به جای زندگی به من مرگ داده و ناچارم به هر  
نیرنگ دست زنم و هر فریبی بکار گیرم و آماده شوم و  
ابزار و آلات را آراسته سازم و ادوات و ابزار موسیقی را بر  
آرم، بزخم و بجنبانم و نمایش دهم، شاید آن را ببند و به  
طرب آید و یاد کند و به نشاط آید و فریب خورد و به  
هیجان آید، و آن هوسی را که در او است بکار بندد، که آن  
زندگی و خواسته من است، و من زندگی یابم و خرم شوم  
تا آن راهی برای نجات از زندان بیابد، و این همان چیزی  
است که برای کسی نگفتم از روزی که آفریده شدم، و اگر  
در فضل و ارجمندی تو نبود هرگز برایت باگو نمی‌کردم



ابلیس از ساکنین عالم بالا بود که در مقابل خداوند تکبر ورزید و از  
دستورش سرپیچی کرد  
منشاء خلقت ابلیس از آتش است  
ابلیس از جنیان است و از فرشتگان نیز به شمار می‌رفت  
از کافران است  
دارای ذریه و نسل است  
دوست عده‌ای از انسان هاست  
دشمن سر سخت بنی آدم است  
فرمان دهنده‌ی ظالمان است و ظالمان از وی اطاعت می‌کنند  
رانده شده از درگاه الهی است  
به یقین اهل جهنم است  
سوگند یاد کرده خلاق را گمراه کند  
از فرومایگان است  
تا روز معلوم و مشخص از مهلت یافتگان است  
بندگان خدا را از راه راست گمراه می‌کند  
از پیش رو و پشت سر و چپ و راست به خلاق وارد می‌شود تا  
شکر نعمت به جای نیاورند  
وسوسه گر است  
فریب می‌دهد  
دروغگو است



لعین است و خداوند او را لعنت کرده است  
 همه چیز را در نظر فرزندان آدم جلوه می‌دهد (از این طریق آن‌ها را  
 گمراه می‌کند و از راه راست منحرف می‌سازد)  
 فقط بر افراد نادانی که پیرو وی می‌شوند اقتدار و سلطه دارد  
 دشمن پیامبران الهی است  
 یارانی از جنیان و انسان‌ها دارد  
 سخنانش به ظاهر آراسته و بسیار فریبنده است  
 در همه آیات الهی که قبل از نزول قرآن بر پیامبران نازل شده است  
 القای دسیسه کرد (خداوند فرموده است القای او را محو و نابود  
 می‌سازد)  
 دسیسه‌ی او وسیله‌ی است برای آزمایش افرادی که دارای قساوت  
 قلب و نفاق هستند  
 یارانی دارد که اشخاص را به سوی خود هدایت می‌کند  
 یار و همنشین دائم کسی است که از یاد خدا رخ بتابد  
 مدام مردم از خدا غافل را از راه خدا باز می‌دارد  
 به انسان‌ها وعده‌ی فقر می‌دهد  
 انسان‌ها را امر به فحشا می‌کند (فحشاء: کار و سخنی که در زشتی  
 آن تردیدی نیست)  
 از شهادت دهندگان در قیامت است و شهادت می‌دهد که خداوند  
 به راستی وعده داده است



و عده دهنده است و وعده اش به اعتراف خودش دروغ است  
هیچ دلیل و حجتی در گمراه کردن انسان ها ندارد و انسان ها  
بدون دریافت دلیلی یا حجتی از سوی شیطان او را پیروی  
می کنند

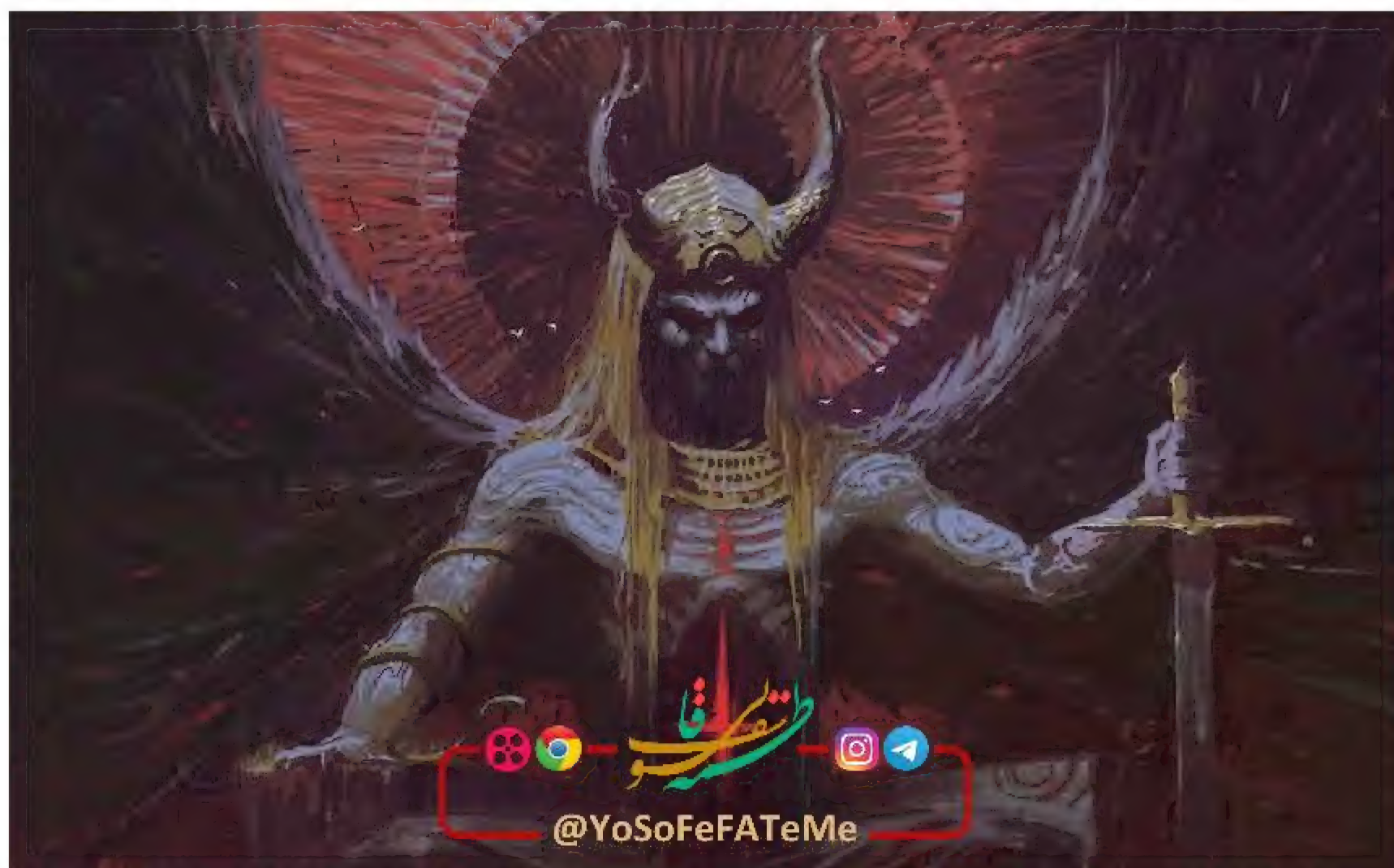
کسانی را که به دعوت او اجابت می کنند ابله می داند  
از نفس پر طمع انسان ها برای گمراه کردنشان استفاده می کند  
فریاد رس هیچ کس نمی تواند باشد

انسان هایی به اغوای او به خداوند شرک می آورند در حالی که  
خود شیطان می گوید به این شرک باوری ندارد  
انسان هایی به او ایمان می آوردند  
یار و همراه کافران است

همراهان خود را از نور به تاریکی و ظلالت می برد  
همه ی بنی آدم با خداوند عهد بسته اند که شیطان را نپرستند  
دشمن آشکار انسان هاست

معبود برخی از انسان هاست و عده ای او را پرستش می کنند  
کسانی که به او ایمان آورند به پست ترین درجات نزول می کنند





## فرمانده پادشاه شیاطین بر سیستم زمین

آیا هنوز به دشمنی ابلیس و یارنش با بشر شک دارید؟ توانایی‌ها و اختیارات وی را نادیده می‌گیرید؟ به جرات می‌گوییم که در حال حاضر و در طول تمام تاریخ همه‌ی فتنه‌های جهان را شیطان هدایت و رهبری کرد تمدن‌های بزرگ را به سوی خود منحرف ساخت و مردم را به پرستش و طاعت خود دعوت کرد ظالمان تحت امر خود را که صاحبان نا به حق زر و زور بودند به ترویج و حفاظت از منافع شیطانی خود گمارد او با وسوسه و زینت دادن دنیا در نظر پیروانش به آن‌ها ولایت یافت ایشان را تحریک به جنگ با الهیون و قتل بندگان خدا نمود و بدین سبب این مردم گمراه را به سوی جهنم رهنمون شد



حرکت ۱۲۴،۰۰۰ پیامبر الهی و یازده امام معصوم در مبارزه با این حکومت‌های سرکش صرف شد که بجز برهه زمانی کوتاه که منجر به ایجاد حکومت قسط و عدل گردید هیچ یک از رسولان و ائمه الهی موفق به ایجاد حکومت قسط و عدل جهانی نگردیده‌اند (که بنا به فرموده‌ی کتاب خدا هدف تمامی پیامبران بوده است) بیشتر از هزار سال است که شیطان با مدیریت ویژه‌ی فتنه‌های جهان و انحراف جوامع بشری موجب ایجاد موقعیتی شده است که به سبب آن آخرین امام معصوم و وارث انباء و ائمه قادر به اعلام حضور خود نیست (این در حالی است که ظهور حضرت مهدی مرگ شیطان را در پی خواهد داشت) مشیت الهی نیز بر این امتحان قرار گرفته است و ما با ایمان به ابلیس سعادت خود را به شیطان فروخته‌ایم، امام زمان و منجی موعود خود را در زنجیر اعمال خود به بند کشیده ایم، سر از سجده خداوند که هدف خلقت ما بود بر تافته و به دشمن سوگند خورده‌ی خود سر فرود آورده‌ایم. به اطراف خود نظر کنید در جوامع بشری حاضر دقت داشته باشید! حکومت‌های بزرگ جهان که ادعای رهبری ملت‌ها را دارند در شمار کدام حذب به شمار می‌روند؟ آیا حکومت‌های بزرگ موجود، در راستای زمینه سازی برای ظهور مهدی تلاش دارند؟ کسی هست که بگوید این حکومت‌ها الهی هستند؟



آیا حکومت‌های بزرگ موجود ، در راستای زمینه سازی برای ظهور مهدی تلاش دارند؟ کسی هست که بگوید این حکومت‌ها الهی هستند؟ ساخت سازمانهای جهانی مختلف خبر از نیت ابر قدرت‌ها برای یک حکومت جهانی می‌دهد سازمان ملل متحد ، سازمان تجارت جهانی ، دادگاه جهانی لاحه ، سازمان پلیس جهانی اینتر پل ، سازمان حفاظت از محیط زیست جهانی، سازمان‌ها ورزشی جهانی و ده‌ها سازمان جهانی دیگر زمینه سازی برای ایجاد یک حکومت جهانی است ولی همه باور داریم که این زمینه سازی برای حکومت جهانی مهدی ال محمد(ص) نیست واقع بین باشیم جهان محیای یک حکومت یکپارچه جهانی می‌شود ولی الهیون در میان حاکمانش جای ندارند بجز شیاطین و شیطان کسی دیگری را می‌شناسید که با الهیون دشمنی داشته باشد یا سوگند یاد کرده باشد که همه‌ی بندگان خدا را گمراه کند؟ از پیشروان این قدرت‌های بزرگ چه عقیده‌ای برخواسته است؟ آیا اینان نیستند که شعار سکولاریزه کردن جهان را سر داده‌اند؟ دموکراسی ، اومانیسم ، لائیک ، کمونیسم ، مارکسیسم ، فرویدیسم ، لیبرالیسم و امثال این را چه کسانی راه سعادت انسان‌ها معرفی کرده‌اند؟ منشا این مکاتب چیست و از کجاست؟



در مقابل فعالیت‌های وسیع شیاطین در حزب الهی نیز اتفاقاتی به وقوع پیوسته که بسیار امیدوار کننده است پس از سالها تلاش و فداکاری مردان و زنان مومن نور الهی در تاریکی‌ها درخشید و حزب الهی انسجام نسبی پیدا کرد که می‌توان این درخشش را همان قیام شیعیان ایران به رهبری فقیهی عالم و عارفی فرزانه آیت الله روح الله موسوی خمینی دانست ایجاد حکومت اسلامی با نگرش آماده سازی زمینه‌های ظهور مهدی آل محمد از این منظر دارای اهمیت است که در این برهه زمانی سرتاسر جهان را ظالمت و گمراهی فراگرفته و بدین سبب این رویداد از اهمیت بی‌حدی برای حزب الهیون برخوردار است با نگاهی سطحی هم می‌شود فهمید که این حکومت به سرعت از سوی حکومت‌های شیطانی جهان مورد هجوم همه جانبه قرار گرفت و فوراً تبدیل به مهم‌ترین رویداد رویاروی این کشورهای ظلمانی شد دوستان من شما با هر موقعیت اجتماعی، رنگ و نژاد که باشید اگر اعتقاد به برقراری احکام الهی در جوامع داشته باشید و معتقد به برپایی قسط و عدل جهانی در زیر پرچم مهدی آل محمد (ص) و براندازی باطل باشید دشمن ابر قدرت‌های جهان کنونی محسوب می‌شوید و بودن شما نابودی منافع و موجودیت این ابر قدرت‌های شیطانی را طلب می‌کند و بودن این ابر قدرت‌ها نبود شما را می‌طلبد





یکی از نقشه‌هایی که شیطان برای گمراهی بشر برنامه‌ریزی هوشمندانه نموده است این معادله می‌باشد؛ کفریات، خرافات، حاشیه‌ها، باطل‌ها، انحرافات، تجملات، ابزارآلات و تاریکی‌ها را تا آخرین حد ممکن گسترش دهد تا بدین وسیله فرزندان آدم را از اصله حقیقت زندگی یعنی خداوندگار جهان‌یان الله غافل کند و در چنین جریانی علوم و معرفت اندیشه اسلامی را از نظر مردم محو و نابود گرداند تا نور جاودان الهی که مایه آسایش و آرامش و عشق و صلح و محبت و لذت موجودات و ارواح است از روی زمین برداشته شود برای شما مثالی خواهم زد؛ در داستان خدایان مصر که ابلیس بزرگترین فرماندهانش را مامور می‌کرد تا به شکل‌های متعددی برای عموم مردم به نمایش درآیند و از این ماجرا هر خدای جنی جهت فریفتن انسان‌ها سطح هلاک‌کننده‌ای از مطالب باطل متشکل می‌کرد تا از این طریق پیام هدایت‌گر و صحیح انبیاء را در مرحله‌ی گمراهی و دورغ یا خیالات تبدیل گرداند





ادوار گذشته تاریخ نشان می‌دهد که همیشه راه درست در یک جایگاه برگزیده از سوی رحمت‌گر هستی است و از آن جهت عالی‌ترین دستورات و پیامدها را برای جامعه انسانی تعبیر کرده است. اگر بر فرض مثال انسان راهی برای خوردن یا آشامیدن نداشت و گرسنگی در او نبود و تنها از نیروی قدرت الهی سیر تکاملی خود را به پیش می‌گرفت؛ تمام تنقلات و خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها، شیرینی‌ها، مواد غذایی، دستگاه‌های پیچیده پخت و پز، فروشگاه‌ها، لبنیات، ظروف و لیوان‌ها، کافه‌ها و رستوران‌ها، و میلیاردها موارد دیگر با توجه به شرایط بالا چه سودی داشت  
قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ،  
إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ

گفت: پروردگارا! به سبب آن‌که مرا گمراه ساختی، من نعمت‌های مادی زمین را در نظر آن‌ها جلوه می‌دهم، و به یقین همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان خالص شده‌ات را





قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ، إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا  
مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ، إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ  
فرمود: این راه مستقیمی است که بر عهده من است که بر بندگانم  
هیچ تسلطی نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند و  
!دوزخ، میعادگاه همه آنهاست

دوست عزیز من داستان نهایی در همین جاست خداوند تعالی با  
کمال صداقت و حکمت به انسان‌های ساکن زمین در یک مجموع  
کلام می‌فرماید؛ در دنیا و از همان ریشه شکل گرفته شده آن جاهای  
خالی و نواقص بسیار هلاکت‌کننده‌ای وجود دارد و اگر هدف‌تان این  
است تا آن را با عالی‌ترین شرایط ممکن آباد کنید مطمئن باشید که  
به جایی نخواهید رسید زیرا در توان و اندیشه شما نیست و اگر هم  
فریب خوردید و آن را با کمال ذلت و سرافکندگی وسعت دادید تنها  
خود را در مرتبه‌ی هلاکت و نافرمانی آفریدگار همراه کردید و اطاعت‌گر  
ابلیس و لشکریان تاریکی او خواهید شد و در مقصد آخر آتش پاره  
پاره کننده دوزخ وعده‌گاه همه شماست